■ سال بیست‌وهفتم ■ شماره ۷۵۷۸ ■ دوشنبه ■ ۱۱ اسفند ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۶ | اذان مغرب ۱۸/۱۸ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۴ | اذان صبح فردا ۵/۰۹ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۲

سخن روز

امام‌حسین(ع):
چیزی را که از ارزشتان بکاهد، بر زبان جاری نکنید.

جلاءالعیون،ج ۲،ص۲۰۵

فریدون جیرانی: مهرجویی اولین فیلمسازی است که به سراغ اصلاحات رفت

به اعتقاد من داریوش مهرجویی اولین فیلمسازی است که به استقبال اصلاحات رفته است و قبل از اینکه اصلاحات شکل بگیرد دو فیلم مهم تاریخ ساز«سارا» و«لیلا» را ساخته بود. این دو فیلم مقدمه سینمایی هستند که از سال ۷۷ راه افتاد که قهرمانان زن آمدند و خواستار هویت دیگری برای زنان شدند. به اعتقاد من سه فیلم هامون، سارا و لیلا شاهکارهای سینمای ایران هستند و مهرجویی فیلمسازی است که میزانسن و سینما را خوب می‌شناسد.

بخشی از گفته‌های «فریدون جیرانی» همزمان با زادروزش در موزه سینمای ایران/ایلنا

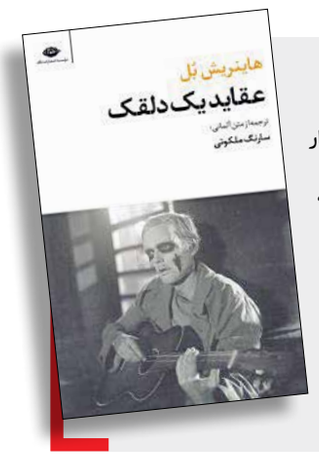

هرگز نباید سعی در تکرار لحظات داشت. باید آنها را همانگونه که یک بار اتفاق افتاده‌اند فقط تنها به خاطر آورد.

عقاید یک دلقک
هاینریش بُل
سارنگ ملکوتی
نشر نگاه

نـــگاره

ایمان نوری نجفی

کرونا و خطرات سفر

یادداشت

اعظم کیان افراز
نویسنده
پژوهشگر و ناشر

تجربه‌هایی ارزشمند برای پیشرفت نشر

کرونا در کنار همه آسیب‌هایی که برای صنعت نشرمان رقم زد ناخواسته سبب وقوع تحولات مثبتی هم شد؛ مهم‌ترین مصداق آن را می‌توان در برقراری پیوند هرچه بیشتر میان فعالان نشر با فضای مجازی دید. در این بین نوع مراودات جامعه کتابخوان هم شکل و شمایل تازه‌ای پیداکرده، البته نه اینکه بگویم پیشتر ارتباطی میان دو طیف یادشده تولیدکننده کتاب و مخاطبان آثار منتشرشده از طریق فضای مجازی وجود نداشت! اما محدودیت‌های نشأت گرفته از پروتکل‌های بهداشتی برای مهار بیماری کرونا به آن سرعت بخشید. این مسأله بیش از همه طی نیمه نخست سال جاری که با اعمال محدودیت‌ها و خانه‌نشینی‌های بیشتری روبه‌رو بودیم خود را نشان داد. نه‌تنها کتابدوستان به واسطه برخورداری از اوقات فراغت بیشتر، کتاب‌های بیشتری خریدند و خواندند بلکه شاهد بودیم که طیف‌های کمترکتابخوان یا حتی آنهایی که در زمره علاقه‌مندان مطالعه نبودند به آن روی آوردند. نکته جالب دیگر جلب توجه کتابخوانان به شکل‌های دیگر انتشار کتاب، از جمله آثار الکترونیکی و گویا بود. شاید بگویید سال‌ها از ورود کتاب‌های منتشرشده در بستر تکنولوژی‌های نوین به کشورمان می‌گذرد، بله. اما مسأله این است که هنوز بسیاری از ما تنها تمایل‌مان به کتاب‌های چاپی بود؛ اتفاقی که در نهایت رونق بیشتری به انتشار انواع کتاب‌های الکترونیکی بخشید. تا پیش از انتشار ویروس کرونا در کشورمان هنوز همه ناشران متوجه ضرورت بهره‌برداری جدی‌تر از فضای مجازی نشده بودند و همچنان به شیوه‌های سنتی پایبند بودند. کرونا نه‌تنها ناشران، بلکه حتی چهره‌های سرشناس عرصه کتاب را به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی کشاند. البته این اتفاقی است که بالاخره رخ می‌داد؛ منتها محدودیت‌های کرونا آن را سرعت قابل توجهی بخشید. بحث دیگری که نمی‌توان از آن صرفنظر کرد استفاده کتابفروشی‌ها از تکنولوژی‌های نوین ارتباطی است؛ از این طریق ما شاهد فروش قابل توجه کتاب از طریق فضای مجازی و حتی به شکل تلفنی بودیم. اما از تمام این موارد که نمی‌توان منکر هیچ یک از آنها شد که بگذریم، یکی از مهم‌ترین تحولاتی که این بیماری پیش روی صنعت نشر و اهالی‌اش و حتی مخاطبان آن گذاشت، برپایی نمایشگاه مجازی کتاب تهران بود. در ابتدای طرح پیشنهاد برگزاری این نمایشگاه اغلب ما ناشران مخالف بودیم؛ به هر حال بحث کاری در میان بود که هنوز هیچ کشوری به سراغ آن نرفته بود و نمی‌دانستیم با زمان کم و از سویی امکانات محدودمان چطور نمایشگاهی از آب درمی‌آید. با این حال نخستین دوره این نمایشگاه برگزار شد و اتفاقاً مردم هم به رغم آنکه اطلاع‌رسانی چندانی نشده بود، استقبال خوبی کردند. تجربه خوبی بود که درس‌های مهمی به صنعت نشرمان داد؛ اینکه می‌توان حتی بعد از کنترل کامل بیماری کرونا همچنان این نمایشگاه را به عنوان مکملی در کنار نمایشگاه فیزیکی کتاب تهران برگزار کرد. در شرایط زندگی‌های پرمشغله امروزی واقعاً جای چنین نمایشگاهی خالی بود. با این حال امیدوارم طی سال‌های بعد مسئولان ارشاد و نمایندگان صنوف نشر برای کاهش آسیب‌هایی که برپایی نمایشگاه‌ها متوجه کتابفروشی‌ها می‌کند فکری کنند. دست‌اندرکاران از همین حالا می‌توانند با بررسی و آسیب‌شناسی شرایط دوره نخست، برنامه‌ریزی کنند تا طی دوره‌های بعدی کتابفروشی‌ها هم به طریقی در برگزاری این رویداد مهم دخیل شوند. البته بحث آسیب به کتابفروشان تنها در نمایشگاه مجازی کتاب مطرح نبوده و نیست چراکه درباره نمایشگاه کتاب تهران هم با چنین مباحثی طرف هستیم. این روزها و سختی‌های برآمده از محدودیت‌های کرونا هم بالاخره سپری می‌شوند، مهم این است که از این تجربه برای پیشرفت صنعت نشرمان و از سویی برقراری هرچه بیشتر ارتباط میان مردم و جامعه ناشران استفاده کنیم.

سنگ کاغذ قیچی

نلی محجوب
فعال حوزه ادبیات کودک و نوجوان

مهارت شناختی، کلید ارتباط سالم

آموزش شناخت ارتباطی کودکان از طریق درک احساسات خود و دیگران می‌توانند به ارتباط بهتر آنها با دیگران و درک متقابل کمک کند؛ شیوه‌ای ارتباطی که در طول زندگی امکان ارتباطی بهتر را فراهم می‌کند. بسیاری از ما بزرگترها یا حس‌های خودمان را نمی‌شناسیم یا نمی‌دانیم چطور آن را بیان کنیم و معمولاً این عدم مهارت مشکلات ارتباطی زیادی را برای‌مان به وجود می‌آورد. آموزش این مهارت‌های شناختی از دوران خردسالی باعث می‌شود تا کودکان و خردسالان از همان سنین با گوناگونی احساسات آشنا شوند، آشنا شدن بچه‌ها با این حس‌ها باعث می‌شود تا راحت‌تر چهره‌خوانی کنند و در برقراری ارتباط و رفتار مناسب در زمان مناسب به آنها کمک می‌کند. وقتی احساسات خود را با کودک در میان می‌گذارید، کودک در ابراز حس خودش توان بیشتری خواهد داشت و دامنه و شیوه ارتباطی بهتری با اطرافیان پیدا می‌کند. وقتی کودک و خردسال درک بهتری از حس‌ها داشته باشد، به تبع آن چاره اندیشی و راهکار ارتباطی منطقی‌تری خواهد یافت و حل مسأله را با درک حس‌ها می‌تواند تجربه کند.

این کار باعث تکامل حسی و ایجاد درک همدردی و درک دیگران خواهد شد و در حقیقت راهی برای برقرای ارتباط سالم‌تر و حفظ آن با دوستان و خانواده. گاهی کج خلقی خردسالان به‌دلیل عدم درک حس و شیوه بیان آن است. از طرفی تکامل حسی کودک تا حد زیادی تحت تأثیر رابطه او با اطرافیان است. خردسالان و کودکان، شیوه ارتباطی و بیان حس‌ها را از اطرافیان می‌آموزند اما یادمان باشد افراط در آموزش خصوصاً آموزش مستقیم می‌تواند ارتباط با کودک را از شکل مؤثر خارج کند و فشار بر کودک برای آنچه ما می‌خواهیم باشد، اثر مخربی بر او خواهد داشت. یادمان باشد بچه‌ها انسان‌هایی هستند با خصوصیات فردی مستقل و مجزا. یکی از شیوه‌های آموزش، آموزش غیر مستقیم و داستانی است که می‌تواند برای بچه‌ها جذابیت بیشتری داشته باشد و آنها را مشارکت بدهد. مجموعه «چه حسی دارم؟» از نشر راه راه، راهنمایی است برای درک احساسات.

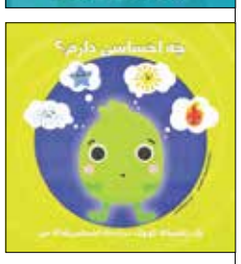

اینکه چرا این احساسات در بدن ما به وجود می‌آیند و ما چطور می‌توانیم جلوی آنها را بگیریم که بزرگ نشوند با راه حلی داستانی مطرح شده است. بعضی وقت‌ها ممکن است عصبانی شوی و بعضی وقت‌ها هم خوشحال. اما مهم‌ترین چیز شناخت است. تأکید مجموعه هم بر همین اصل است شناخت و کنترل.

در این مجموعه هر شخصیت نشان از حسی خاص دارد. خورشید خانم نشان خوشحالی، ستاره چشمک‌زن نشانه احساس افتخار، ابر بارانی کوچولو نشان غم و شعله کوچولو هم خشم. در هر کدام از کتاب‌های این مجموعه: «من خوشحالم»، «من عصبانی‌ام»، «من غمگینم» و «احساس افتخار می‌کنم» کودک و خردسال با ارتباط با این نشانه‌ها ماجرا را پی می‌گیرد.

این مجموعه علاوه بر آموزش مهارت و سرگرمی می‌تواند به دامنه واژگان و بیان احساسی خردسال و کودک کمک کند.

■ **مجموعه «چه حسی دارم؟»**
■ **نشر راه راه**

پیشنهاد

محمد رحمانیان
نمایشنامه نویس و کارگردان و مدرس تئاتر

انعکاس واقعیتی در گوشه گوشه جهان

«هجدهم برومر لویی بناپارت» اثر کارل مارکس نویسنده قرن نوزدهم میلادی آلمان یکی از بهترین آثاری است که با ترجمه باقر پرهام از سوی نشر مرکز منتشر شده و اکنون در بازار هم موجود است. این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۸۵۸ میلادی به چاپ رسیده‌است و تاکنون به ده‌ها زبان زنده دنیا ترجمه شده‌است. کتاب «هجدهم برومر لویی بناپارت» یک اثر تاریخی است.

موضوع کتاب کودتای ۲ دسامبر ۱۸۵۱ لویی بناپارت در فرانسه است که باعث شد جمهوری دوم فرانسه به پایان برسد. این کتاب بیش از ۲۰۰ سال با دوره ما فاصله دارد. اما محتوای کتاب که در مورد لمپن‌ها و فضای سیاسی ای است که به کمک لمپن‌ها شکل می‌گیرد، بارها و بارها در گوشه گوشه جهان و حتی در ایران هم رخ داده است. برای همین خواندن این کتاب را به همه مردم توصیه می‌کنم. چون یک بحث تاریخی عمومی است و صرفاً مربوط به قرن ۱۹ میلادی و تبعات آن در فرانسه نمی‌شود بلکه در تمام اعصار و قرون اتفاق افتاده است. آنچه در این کتاب جالب است نام آن است. هجدهم برومر یک کلمه کاملاً بی‌معناست که مارکس در واقع به زمانی اشاره می‌کند که بعد از انقلاب فرانسه ناپلئون اول ۹ نوامبر ۱۷۹۹ کودتا می‌کند و برادرزاده‌اش نیز لویی بناپارت در ایامی نزدیک به همین تاریخ ۹ نوامبر کودتا می‌کند. مارکس نیز به جای کودتا در این کتاب از هجدهم برومر استفاده می‌کند و شما هر کجا در این کتاب با این کلمه مواجه می‌شوید، در حقیقت همان معنای کودتا را می‌دهد. یعنی رژیمی که نه پایگاه اجتماعی درستی دارد و نه حکومت یا پادشاهی خاصی دارد. بلکه با کتک زدن مردم و سرکوب و ارعاب و وحشت بر مردم سال‌ها حکومت کرده‌اند. و سپس با حمله ارتش پروس این حکومت پر از خشونت به پایان می‌رسد. مارکس در این کتاب از دولت بناپارت به‌عنوان «زائده انگل گونه بر پیکر جامعه مدنی» نام می‌برد که هر چیزی را با روش‌های خشونت‌آمیز کنترل می‌کند. از کنترل منابع قدرت و ثروت گرفته تا کنترل مراکز تجمع و رسانه ها.

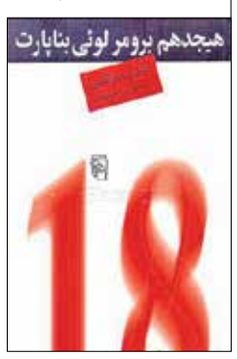

■ **هجدهم برومر لویی بناپارت**
■ **کارل مارکس**
■ **مترجم: باقر پرهام**
■ **نشر مرکز**

هشتگ

#علی_اکرمی

یکی دیگر از اهالی رسانه بر اثر ابتلا به بیماری کرونا درگذشت. علی اکرمی روزنامه‌نگار بعد از چند روز مبارزه با این بیماری در روز تولد دخترش قربانی کرونا شد و شبکه‌های اجتماعی و بخصوص توئیتر پر شد از عزاداری مجازی برای او. علی اکرمی از فعالان توئیتر بود و خیلی‌ها از او و رفاقت‌هایش و اخلاقش نوشتند: «شوک‌زده‌ام. خبر مرگ علی اکرمی ویران کننده‌تر از آن است که فکرش را بکنید. تصور کنید ساعت ۲۳:۴۹ چهارشنبه با تو مشورت کند، ۲۴ ساعت بعد بیمارستان باشد، ۲۴ ساعت بعدتر برایش دعا بخوانند یعنی اوضاع خوب نیست و امروز صبح بخوانی دیگر نیست. هرچقدر بخواهی قوی باشی باز کم می‌آوری»، «آی زندگی، ما، همه ما از تو یک عزاداری دسته جمعی طلبکاریم. اینکه همه یک جا جمع شویم، مویه کنیم، زار بزنیم و یکدیگر را تسلی بدهیم؛ شاید شاید اندکی از این بارهای بر دل مانده سبک شود.»، «هیچ بابایی روز تولد دخترش نباید بره»، «یکی یکی داریم تموم می‌شیم»، «نسل ما انقدر بدبخت بود که حتی نشد توسن پیری رفتن رفقامونو ببینیم، تو همین جوونی یکی یکی داریم میریم و داغ به دل بقیه رفقا میذاریم»، «ترسناک ماجرا اینجاست آدم‌ها هی به همدیگر پیام می‌دهند راست است؟ راسته؟ مگه نیاوردنش بخش؟! مگه بهتر نشده بود؟! نه. همه خواب وخیال بود. خوش‌اخلاقی و خنده‌های علی هم حریف این کرونای لعنتی نشد. حیف علی آقا، حیف بود»، «توی این یک سال گذشته روزی نبود که تایملاین رو باز کنیم و شوکه نشیم. خدا همه‌مون رو بیامرزه. انگار مرگ توی توئیتر از همه جا بهمون نزدیک‌تره.»، «صبح علی‌الطلوع، زنگ بزنی حال رفیقت را جویا شوی، آنور خط بگویند فوت کرده، حواستان باشد فعلاً خانواده‌اش نمی‌دانند، تو مجبور باشی راوی خبر شوی برای رفقا و بگویی فعلاً در خلوت گریه کنید، خانواده نمی‌دانند. علی اکرمی چقدر سخت بود روایت رفتن تو، رفیق، برادر!»، «تمام تایملاینم عزادار علی اکرمی شده. چقدر دردناکه این از دست دادن‌ها و خدا می‌دونه اگه واکسنی بهمون برسه بعدش زخم این همه داغ رو چطوری می‌خواهیم مرهم بذاریم.»، «مرگ کنارمون قدم می‌زنه. همین دیروز بود سر پیتزا پختنش ژانر راه افتاده بود اینجا. یه دفعه چی شد علی اکرمی»، «علی روا نبود روز تولد دخترت بری. کاش دروغ بود علی جان»، «اکونومیست در اولین شماره بعد از پاندمی شدن کرونا نوشت؛ آماده باشید و کمربندها را ببندید، چون قرارست خیلی از دوستان و نزدیکان و آشنایان‌مان را از دست بدهیم. حالا نمی‌دانم به که و چه لعنت بفرستم، به کرونا یا به این پیش‌بینی ترسناک اکونومیست! فقط می‌دانم رفتن توخیلی زود بود»، «شناختم از علی اکرمی برمی‌گردد به چند جلسه گپ و گفت سیاسی و گفت‌وگوهای مجازی‌ای که بعداً شکل گرفت. چیزی که من درک کردم نهایت ادب، رواداری، منطق و احترام بود. یک اصلاح‌طلب واقعی، متین و دلسوز. چقدر این مرد دوست داشتنی بود. غمش بدجور به دل نشست»، «بهم زنگ زد گفت من علی اکرمی هستم که بهم طرح ترافیک ندادن اما الان واسه خودم زنگ نزدم. برای یه رفیقی که هم خبرنگاره و هم مریض دیالیزی دارن، زنگ زدم. گفتم هم نوکر خودتم هم رفیقت. رفیق شدیم و همیشه می‌شد روی خودش و رفاقتش حساب کرد.»

شهروند مجازی

یگانه خدامی

کریمی رئیس نشد

ماجرا

انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال امسال به دلیل حضور علی کریمی به عنوان یکی از نامزدها حساسیت زیادی داشت و خیلی‌ها آن را با دقت دنبال می‌کردند. دیروز وقتی علی کریمی تنها ۹ رأی آورد و عزیزی خادم با ۴۹ رأی رئیس فدراسیون فوتبال شد، کاربران زیادی با ناراحتی از اتفاقاتی که افتاده نوشتند. هرچند که خیلی‌ها هم معتقد بودند رأی نیاوردن به نفع کریمی شد: «از حدود ۹۰ رأی ممکن، به علی کریمی فقط ۹ نفر رأی دادند. چرا؟ چون اهل لابی و تقسیم غنائم نبود. شعارش هم مبارزه با فساد بود»، «علی کریمی در پاسخ به احتمال مهندسی انتخابات: اطلاع ندارم ولی روز مهندس رو با یک هفته تأخیر به دوستان تبریک میگم.»، «۹ نفر بدون لابی‌گری و چشمداشت توی این فوتبال وجود داره»، «این نفسگیرترین انتخابات فوتبال پس از انتخابی شدن بود. کیومرث هاشمی بالاتر از انتظار رأی آورد و عزیزی خادم تقریباً در حد پیش‌بینی‌ها. مصطفی آجورلو هم تلاش زیادی کرد اما او در یک گام به جلو همچنان محبوب مجمع نیست. و البته بله.قاعده شرکت در انتخابات لابی و جلب رأی است»، «از رأی نیاوردن علی کریمی خیلی خوشحالم؛ اگه رئیس می‌شد، طرفداراش اجازه نمی‌دادن تصمیمات گاه اشتباهش نقد بشه، دیگه اینکه شاید از محبوبیتش هم کاسته می‌شد؛ اون صندلی برای کسی که تجربه مدیریتی و صبر و حوصله کلنجار رفتن نداره، زیادی داغه»، «داستان علی کریمی اینجا تموم نمی‌شه. بازیکنی که نزدیک‌ترین رفیقش حسین هدایتی بود و سال‌ها از کنار علاقه‌مندی‌های سیاسی-اجتماعی- مذهبی مردم، مخاطب گرفت و فقط رفقای نزدیکش می‌دونن چقدر با حرفایی که توی دهنش گذاشتن فاصله داره. کریمی فوتبالیست عالی بود و آدم ساده‌ای، همین. نتیجه: ۹ رأی»، «وقتی بهاروند دارای رأی و اعتباره و می‌تونه رئیس فدراسیون فوتبال انتخاب کنه، بهترین کار اینه که برگردیم سراغ ورزش اول مملکت، کُشتی!»، «تو به فدراسیون فوتبال نیاز نداری در واقع فدراسیون فوتبال به تو نیاز داره. تو همیشه برای ما رئیس بودی و خواهی ماند.»، «حالا که علی کریمی، این گزینه لایق و شایسته، برای ریاست فدراسیون فوتبال رأی نیاورد، وقتشه که همون پیشکسوت‌ها و خبرنگارهایی که این مدت ازش حمایت می‌کردن و اونو بهترین گزینه می‌دونستن، به وزارت ورزش بگن مدیرعاملی پرسپولیس رو به دستان این فرد با لیاقت و دشمن فساد بسپرن.»

به نام تاریخ

■ **۱۱ اسفند**

سال ۱۹۴۱ در چنین روزی یک فرستنده رادیویی در امریکا به‌نام WBNT به‌عنوان نخستین فرستنده غیرآزمایشی آغاز به کار کرد و تغییر زیادی در پخش این رسانه ایجاد کرد.

■ **تولدها**

مرتضی حنانه: موسیقیدان و آهنگساز شاخص ایران سال ۱۳۰۱ در چنین روزی به دنیا آمد. مرتضی حنانه در هنرستان موسیقی ملی تحصیل کرد و از موسیقیدانان اهل چکسلواکی که برای آموزش به هنرجویان به ایران آمده بودند نواختن ساز هورن را آموخت. با آغاز جنگ جهانی دوم هنرستان موسیقی تعطیل شد اما او با هنرمندانی چون غلامحسین غریب و حسن شیروانی کنسرت‌هایی را در تالارهای انجمن‌های علمی و فرهنگی اجرا کرد و با پیوستن پرویز محمود به این گروه در سال ۱۳۲۵ پایه ارکستر سمفونیک تهران گذاشته شد. در سال ۱۳۲۸ با شیروانی، غریب و جلیل ضیاپور نشریه فرهنگی و پیشرو «خروس جنگی» را منتشر کردند و در همان سال‌ها حنانه «سوئیت شهر مرجان» را ساخت و این سوئیت با ارکستر سمفونیک تهران اجرا شد و حنانه را به شهرت رساند. در سال ۱۳۳۲ آثار حنانه در جشن هزاره ابن سینا مورد توجه قرار گرفت و سفیر وقت ایتالیا بورس هنری این کشور را به او داد تا برای تکمیل تحصیلاتش به ایتالیا برود. پس از بازگشت به ایران حنانه ارکستر فارابی را تأسیس کرد و اجراهای زیادی برای رادیو داشت. «کاپریس»، «صبر و ظفر»، «در بزرگداشت فردوسی»، «لالایی»، «مهرگان» و «اورتوریوی بزرگ» از آثاری هستند که توسط او ساخته شدند. حنانه موسیقی فیلم هم می‌ساخت و این کار را از سال ۱۳۲۷ با فیلم «ایران سرزمین طلای سیاه» آغاز کرد و پس از آن موسیقی فیلم‌های «عروس دجله»، «بهلول»، «ساحل انتظار»، «تپه‌های مارلیک»، «لذت گناه»، «عروس دریا»، «الماس ۳۳»، «پل»، «فرار از تله»، «باباشمل»، «راز درخت سنجد»، «خون بارش»، «قلندر»، «تشریفات»، «مردی که موش شد» و «جعفرخان از فرنگ برگشته» را ساخت و البته موسیقی به یادماندنی سریال «هزاردستان» از آثار ماندگار اوست. مرتضی حنانه سال ۱۳۶۸ درگذشت.

فرخ تمیمی: مترجم و شاعر معاصر ایران سال ۱۳۱۲ به دنیا آمد. فرخ تمیمی در رشته‌های حسابداری و امورمالی تحصیل کرده بود اما به‌دلیل تسلطش بر زبان انگلیسی شروع به ترجمه شعر، مقاله و کتاب کرد و «مردان پوک»، «دنیا از چشم هسه»، «راینر مایا ریکله» و «شور ذهن» با ترجمه او منتشر شدند. تمیمی شعر هم می‌سرود و مجموعه‌های «آغوش»، «سرزمین پاک»، «خسته از بی‌رنگی تکرار»، «دیدار» و «از سرزمین آیینه و سنگ» از کارهای منتشر شده اوست. تمیمی سال ۱۳۸۱ درگذشت.

سپیده شاملو: نویسنده رمان «انگار گفته بودی لیلی» سال ۱۳۴۷ به دنیا آمد. سپیده شاملو ابتدا مقاله‌هایی درباره سینما می‌نوشت و با نوشتن رمان «انگار گفته بودی لیلی» در سال ۱۳۷۹ به‌عنوان نویسنده مطرح شد و مورد توجه قرار گرفت. پس از آن مجموعه داستان «دستکش قرمز» را نوشت و رمان «سرخی تو از من» دیگر رمان او بود. شاملو برای «انگار گفته بودی لیلی» در سال ۱۳۷۹ برنده جایزه هوشنگ گلشیری به‌عنوان بهترین رمان سال شد.

امیرحسین خورشیدفر: داستان نویس و مترجم ایران سال ۱۳۵۹ متولد شد. امیرحسین خورشیدفر سال ۱۳۸۰ با انتشار کتاب‌های «داستانی از اولین روزهای زمین»، «پسری که هیچ ستاره‌ای نداشت» و «باران» در حوزه ادبیات داستانی کودک و نوجوان کارش را آغاز کرد و اولین مجموعه داستانش برای بزرگسالان با نام «زندگی مطابق خواسته تو پیش می‌رود» در سال ۱۳۸۵ منتشر شد. این مجموعه داستان با استقبال مواجه شد و جوایز گام اول، روزی روزگاری، مهرگان و جایزه هوشنگ گلشیری را برای خورشیدفر همراه آورد. «قصه‌های شیخ اشراق» که بازروایی داستان‌هایی از سهروردی است، «شرط‌بندی روی اسب مسابقه» و «تهرانی ها» دیگر آثار او هستند. کتاب «ولگردی با قصد قبلی» نوشته موریل اسپارک هم با ترجمه خورشیدفر منتشر شده است.

● سالروز تولد **سیروس ذکایی** شاعر و **جعفر عزیزی** شاعر هم امروز است.

عکس نوشت

پابلو پیکاسو سال ۱۹۳۷ با کشیدن تابلوی نقاشی «گرنیکا» ماجرای بمباران شهر گرنیکا را در جریان جنگ‌های داخلی اسپانیا روایت کرد. این تابلو بسیار مشهور شد و خاندان مشهور و ثروتمند راکفلر تلاش زیادی کردند تا به هر قیمتی آن را بخرند اما پیکاسو راضی نشد و بالاخره نسخه بدل آن با نظارت خود پیکاسو در یک کارگاه در جنوب فرانسه کشیده شد و در اختیار خاندان راکفلر قرار گرفت.

نسخه بدل «گرنیکا» به‌عنوان یکی از مشهورترین تابلوهای ضد جنگ از سال ۱۹۸۵ بیرون سالن نشست‌های شورای امنیت نصب شده بود اما پس از ۳۵ سال به درخواست خاندان راکفلر از ورودی ساختمان شورای امنیت سازمان ملل متحد در نیویورک برداشته شد.